



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلبه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کسب و کارها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتخابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۳۱۷

شنبه ۵ بهمن ماه ۱۳۳۱

سال هفتم

شماره مسلسل ۶۰
دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۶۰

صورت مشروح مذاکرات مجلس روزیک شنبه
بیست و هشتم دی ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب :

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بیانات قبل از دستور- آقایان : خلخالی و مدرس
- ۳- معرفی آقای علی مصطفوی ب معاونت وزارت دادگستری بوسیله آقای کاظمی نایب نخست وزیر
- ۴- بیانات قبل از دستور آقای حاجری زاده
- ۵- قرائت نامه آقای آیت الله کاشانی ریاست مجلس در موضوع انتخابات
- ۶- ختم جلسه بعنوان تنفس

مجلس ساعت نه و سی پنج دقیقه صبح بریاست آقای محمد ذوالفقاری (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس
نایب رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود
(شرح زیر توسط آقای ناظرزاده (منشی) قرائت شد) -

غائبین با اجازه - آقایان: مشار احمد فرامرزی، اورنگ غائبین بی اجازه - آقایان: دکتر اسامی، عبدالرحمن فرامرزی، صراف زاده راشد، دکتر ملک

نایب رئیس - آقای مکی مکی - بنده با اجازه مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی و همچنین نمایندگان مجلسین در صورت جلسه مطالبی باستحضار مسکوران محترم و همچنین ملت ایران برسانم در هفته گذشته مطالبی پیش آمد و این خدمتگذار کوچک ناچار باستفهام شد در

طرف مدتی که بنده در حال استعفا بودم از طرف عموم طبقات و مخصوصاً نمایندگان محترم مجلس شورای ملی نسبت باستعفای اینجانب اظهار تأسف شد (صحیح است) و از بنده خدمتگذار خواستند که باز هم در مجلس شورای ملی افتخار همکاری با آقایان را داشته باشم همچنین از طرف حضرت آیت الله صدر تلگرافی باین مضمون مخابره شد که بنده این را در حکم فتوی می دانم.

جناب آقای مکی - استعفای جناب عالی موجب تلگرافی بسیار بوقوع بلکه مقتضی است که با استرداد استعفای خود تقاضای اهالی طهران و شهرستانها را پذیرفته تا با عنایات الهی باتفاق کامل مبارزات ملت مسلمان ایران را به نتیجه برسانید. صدر البته بنده در جواب این امر به حضرت آیت الله يك تلگرافی عرض کردم که ضمن آن استرداد

را اطلاع داده بودم و ضمناً از ایشان خواسته بودم که در موقع دعا خدمتگذار خودشان را فراموش نفرمایند هم چنین حضرت آیت الله کاشانی که مقام ریاست مجلس را دارنده نامه ای باین شرح مرقوم فرموده بودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای سید حسین مکی نماینده محترم تهران - پس از سلام چون حیف است مجلس خالی از وجود محترم باشد مقتضی است اجابت نمایندگان محترم مجلس و برادران دینی را فرموده صرف نظر از استعفا بفرمایند و مجلس تشریف ببرند - ایام بکام باد سید ابوالقاسم کاشانی

از طرف جامعه اصناف و بازرگان و دستجات مختلف بهمین نهج از بنده خواستند و حقیقت قضیه اگر موضوع نفت و مبارزه ملت ایران در پیش نبود و هنوز مرحله نهائی این مبارزه طی نشده بود بنده در تصمیم خودم باقی می ماندم ولی چون مبارزه ای که ملت ایران کرده هنوز مراحل نهائی خودش را طی نکرده بنده لازم می دانم که باز هم خدمتگذار آقایان و ملت ایران باشم (احسن است)

و دلیل بارزی که میتوانم با آقایان عرض بکنم يك روزی بنده پشت همین تریبون حاضر بودم که با گلوله گرم کشته شوم ولی تریبون و زبان ملت ایران که در آن موقع از طرف ملت ایران ادعای نامت ایران از طرف بنده قرائت میشد یعنی دفاع در لایحه گلشایبان و کس بعهده بنده واگذار شده بود حاضر بودم که کشته شوم ولی دست از دفاع ملت ایران برندارم (صحیح است)

امروز هم بهمان عقیده باقی هستم هر نوع تخویفی به بنده و بمجلس شورای ملی و به نمایندگان بشود همه را برای خاطر سعادت ملت ایران قبول میکنم (صحیح است) (احسن است) و باز با اتفاق کلمه همانطوری که آیت الله صدر تلگراف فرمودند با همه متفق و متحد ایستاده ایم تا این کار مبارزه نفت تمام شود (صحیح است) مخصوصاً که در

اخبار میخوانیم همین هفته یا دو سه روزه انشاء الله این مبارزه به يك مرحله نهائی خواهد رسید و امیدوار هستیم که ملت ایران از اینهمه مبارزه نتیجه نیکو بگیرد بنده میخواستیم این مطالب را

بعرض برسانم که ما یعنی مجلس شورای ملی ایران با هر کیفیتی با هر نوع تضییق و هر نوع فشاری که بما وارد شود اتحاد خود را حفظ خواهیم کرد تا اینکه آقای د کتر مصدق در اینکار توفیق حاصل کند (انشاء الله) و فقط يك موضوع دیگر را می خواستیم بعرض برسانم و آن اینست که در پارلمان ایران ما همچو سابقه ای نداشتیم که يك موضوعی را يك لایحه ای را با رای اعتماد توأم کرده باشند (صحیح است)

همیشه قاعده این بوده که اگر لایحه ای رد می شده آنوقت دولت تقاضای رای اعتماد میکردند، این موردی نداشت که رد کر بشود البته در این مجلس همیشه بایشان رای اعتماد خواهند داد (صحیح است) و بنده هم هر موقعی که ایشان تقاضای رای اعتماد بکنند رای اعتماد خواهم داد ولی در بعضی مسائل فرعی نباید مسائل اصولی را با مسائل فرعی توأم کرد، ما در اساس که نهضت ملت ایران و مبارزه با بیگانگان است همه با هم متحد هستیم و بنده تا همه جا پشت سر آقای د کتر مصدق ایستاده ام (پور سر تیب - همه ایستاده اند)

و برای خاطر اینکه ایشان از این مبارزه نتیجه بگیرند باز هم خواهیم ایستاد تا اینکه انشاء الله ایشان نتیجه بگیرند ولی در فروع بنده اگر يك موضوعی عقیده نداشته باشم نباید اجبار پیدا کنم که عقیده پیدا کنم ضمناً می خواستیم از جناب آقای د کتر - سنجابی و جناب آقای د کتر بقائی استعفا

کردند باشم که ما يك نامی بودیم بنام

جبهه ملی، خانواده ای بودیم و حالاً هم هستیم این خانواده طوری باید در مذاکرات و نظریاتی که می فرمایند رعایت این فامیل را بکنند که شیرازه این فامیل از هم گسسته نشود امروز آخر دنیا نیست (صحیح است) ما با هم با اتحاد و اتفاق و همکاری یکدیگر محتاج هستیم (صحیح است) من می دانم که خود آقای دکتر سنجابی هم نسبت به جریان گذشته کمال تأسف را دارند و هم چنین از دوست عزیز خودم آقای دکتر بقائی استدعا میکنم که در مذاکرات خودشان رعایت بقای این خانواده ای را که بنده عرض کردم بفرمایند و مطالب را طوری تنظیم بفرمایند که رعایت احترام همه همکاران عزیز و مخصوصاً يك فامیلی که بنام جبهه ملی معروف است بکنند امیدوارم که خودشان در صورت جلسه رفع این سوء تفاهم را بفرمایند بیش از این نمی خواهم مزاحم آقایان بشوم امیدوار هستم که مبارزات ملت ایران و این نهضتی که ملت ایران دو سال است شروع کرده بیک نتایج بسیار بزرگ برسد و همه ما آنوقت بتوانیم در این محیط آرام و خالی از دغدغه ای زندگی کرده باشیم (انشاءالله احسن)

نایب رئیس - آقای کهید
کهید - سؤال است از دولت که تقدیم مقام ریاست میکنم
نایب رئیس - آقای شهاب -
شهاب خسر وانی - هفت فقره تلگراف مبنی بر پشتیبانی از دولت جناب آقای دکتر مصدق است که تقدیم میکنم

نایب رئیس - آقای بهادری
نمایندگان - نیستند
نایب رئیس - آقای ریگی
ریگی - يك تلگرافی است از سروران بلوچستان که مردم تقاضا کرده اند که تمديد انتخابات زودتر با آقای دکتر مصدق بدهند و یکی هم از ایرانشهر که تقاضایشان همین است و موضوع پشتیبانی است که تقدیم مقام ریاست میکنم

نایب رئیس - آقای دکتر فلسفی
دکتر فلسفی - عرض کنم يك طومار است از اهالی مازندران بوسیله بنده مبنی بر پشتیبانی از دولت تقدیم مجلس کرده اند
نایب رئیس - آقای شهیدی
شهیدی - تلگرافاتی از پیشهوران و بازرگانان و کارگران اصفهان مبنی بر پشتیبانی از آقای دکتر مصدق رسیده که تقدیم مقام ریاست میکنم

نایب رئیس - آقای دکتر
مصباح زاده -
مصباح زاده - بنده هم تلگرافی از طرف اهالی بندر عباس مبنی بر پشتیبانی آقای دکتر مصدق که با من

وجوه و محترمین آن شهر است تقدیم میکنم
نایب رئیس - آقای مهندس غروی
مهندس غروی - چایسکاران لاهیجان هم يك تلگرافی بوسیله بنده به ساحت مجلس شورای ملی تقدیم کرده اند و همان صحبت هائی که آقایان کردند آنها هم نوشته اند (دکتر فقیهی - کدام صحبت ها) تقویت و پشتیبانی از دولت

نایب رئیس - آقای وکیل پور
وکیل پور - تلگرافی است از طرف اهالی و صنف خباز جهرم رسیده است تقدیم مقام ریاست میکنم مبنی بر پشتیبانی از دولت جناب آقای دکتر مصدق است

نایب رئیس - آقای دکتر سنجابی
دکتر سنجابی - راجع بافاظی که در جلسه گذشته بین جناب آقای دکتر بقائی و بنده ردوبدل شد بنده وظیفه خود میدانم در این جلسه در حضور نمایندگان محترم اظهار تأسف بکنم (احسن است) بنده تصور میکنم که آقایان همکاران و نمایندگان از عقیده و احترام و احساسات بنده نسبت با آقای دکتر بقائی مستحضر باشند (صحیح است) و بهمه گفته ام و یکبار دیگر هم اینجا تکرار میکنم امیدوار هستیم که خداوند متعال برکت وجود دکتر بقائی را از نهضت ملت ایران دریغ نداشته باشد راجع به سؤالاتی که کرده اند که موجب استفاده بنده از ماده ۹۰ شده است البته در موقع خودش استفاده میکنم و عرایضی که لازم باشد عرض نمایندگان محترم می رسانم (احسن است)

نایب رئیس - آقای ملک مدنی
ملک مدنی - سه تلگراف از ملایر و نهاوند رسیده رسیده است مبنی بر پشتیبانی از دولت آقای دکتر مصدق که تقدیم مقام ریاست میکنم (احسن است)

نایب رئیس - آقای حائریزاده
حائریزاده - در صورت مجلس فرصتی جهت مطالعه برای بنده نبود چون الساعه که وارد شدم به بنده رسیده و وقتی که خواندم بنظر رسید يك قسمتهائی که لازمه صورت مجلس است در اینجا فراموش شده بود يك فرمایش بموقعی که جناب وزیر کشور فرمودند و بنده يك جوابی بایشان عرض کردم دیدم اصلاً از این سؤال و جواب چیزی نوشته نشده این صورت مجلس ها برای این است که بعداً که مردم اینها را مراجعه میکنند قضاوت بکنند که قضیه از چه قرار بوده است از این جهت از آقایان تند نویس ها تقاضا میکنم که بیشتر وقت بکنند و عزیزان را که باید در صورت مجلس باشد بنویسند
نایب رئیس - آقای بهادری (نمایندگان -)
نایب رئیس - در ضمن خواستم عرض آقایان

نمایندگان برسانم امروز اغلب آقایان اجازه ای که خواسته بودند و مطالبی که فرمودند راجع بصورت جلسه نبود و اینطور که مشاهده شد هیچکدام وارد و مربوط بصورت مجلس نبود

اقبال - پس بنده را هم اجازه بفرمائید که عرایضم را بکنم
نایب رئیس - بفرمائید

اقبال - دو تلگراف است یکی از کارمندان اداره دارائی کرمانشاه و یکی هم از طرف خانواده آل آقا دایر به پشتیبانی از دولت جناب آقای دکتر مصدق که تقدیم می کنم يك طومار دیگر هم رسیده از طرف اهالی غیور کرمانشاه که تقدیم میکنم طومار دیگری است از جمعیت بان ایران هم رسیده است که شاید در حدود شش ، هفت هزار امضا داشته باشد و همه مبنی بر پشتیبانی از دولت است و از آقایان نمایندگان خواسته اند که اختیارات را زودتر تمدید بکنند

نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراض دیگری نیست؟
(اظهاری نشد)

صورت جلسه پنجشنبه بیست و پنجم دیماه تصویب شد

(۲) بیانات قبل از دستور آقایان خلخالی و مدرس

نایب رئیس - يك عده از آقایان اجازه نطق قبل از دستور خواسته اند (بعضی از نمایندگان - دستور) آقای خلخالی
خلخالی - اگر جریانات اخیر که مایه تأسف است رخ نمیداد و متوجه اساس نهضت ملت ایران نمیشد مصدق نمیشد مخصوصاً در این موقع غالباً می بینم آقایان سکوت اختیار میکنند برای اینکه در چنین موقعی که تاریک و مبهم بنظر میرسد اظهار نظر نکنند بنده لازم می بینم تشخیص خودم و نظر خودم را صریحاً بگویم اینجا بحث از نهضت ملت ایران میشود هر کسی بزم خود تفسیر و تعبیری می نماید دوبار از طرف دو نفر از آقایان نمایندگان بطور مفصل نطقی در باره نهضت ملت ایران بعمل آمد که تقریباً از نظر بین المللی و وضعیت جغرافیائی ایران و اینکه در همین دو بولک واقع شده بحث شد ولی مطالبی که من امروز می خواهم در این باره عرض کنم مثل اینکه در باره اش تا کنون بحثی بمان نمانده قبل از اینکه وارد این موضوع بشوم يك مثال تاریخی می خواهم حضور آقایان عرض کنم در فتنه مغول موقعی که سپاهیان خونخوار چنگیز افراد بیگناه را بهلاکت میرساندند وقتی شهرنیشابور رسیدند در نتیجه استقامت و پایداری اهالی شهر فرمان قتل عام دادند عده ای بگوشه و کنار پناه بردند تا جان سلامت ببرند مغولها نبرتنکی زدند برای اینکه همه را کشته باخند نزدی را مأمور

کردند بالای مناره مسجد اذان بدهد مسلمانها تصور کنند برادرانشان فانی آمده اند و دشمن را از شهر بیرون راندند و تسلط پیدا کرده اند بیرون بیایند همین هم شد و بیرون آمدن همان و کشته شدن همان. قبلاً میخواهم این را عرض کنم که در این جریان واردم صحبت از نهضت ملت ایران می کنم این اذانی نیست که و امثال من را فریب داده باشد این جریان نیست که دشمن بر علیه ما شمشیر بکشد این جریان زود گذر و دروغی نیست که با کدل و وطن پرست و ملت خواه را بشناسد و بعد از تغییر اوضاع آنها را از دم تیغ بگذرانند بلکه من اگر به نهضت علاقه مند صحبت از ملت میکنم برای خاطر این ملت که وابسته بیکدیگر و نافر وجود آورنده بنیاد گذار نهضت هستند و مربوط بیکدیگر سال است نیست این اعتقاد و علاقه من هزاران سال ریشه عمیق دارد میلیونها انسان پابره نه شکم گرسنه میلیونها مردم در این نهضت نه تنها در ایران در تمام دنیا شرکت دارند (صحیح است) نه تنها در عصر ما بلکه عصرهای گذشته افراد و انسانهایی که علیه ظلم و ستم قد علم کرده اند با ناکامی رو بروشده اند و دست از عقیده و ایمان خود نداشتند آنها هم در این نهضت شرکت دارند (صحیح است) نهضت امروز نتیجه ما حاصل قیامها و اعتراضات شدید ملت ما حتی در قرنهای گذشته است ، منطقی نیست که من بوکالت و دیگری بوزارت برسد ، مقامان اشغال بشود ، از روزی که من یا در مجلس گذاشتم اگر هم سکوت اختیار کردم (حق) روزی آقای گنجه فرمودند که این خلخالی آن خلخالی نیست که در تبریز بود (برای این بود که سکوت و آرامش را برانگیزد) مملکت لازم می دیدیم (صحیح است) و لازم می بینم که حقیقت حکومت بکنند و هیچوقت پرده پوشی نشود ، نمیشود مردم را اغفال کرد و مردمی که عرض کردم باعث و بانی نهضت ما هستند اغفال نمی شوند ، ماهی که خود را گول میزنیم ، خارج از این کشور روزی در جلسه خصوصی عرض کردم میلیونها انسان در باره ما قضاوت میکنند اما ما را داوری میکنند خوب و بد را تشخیص می دهند من میگویم ملت را نرنجانان مرنجان دلم را که این مرغ وحشی خرابی که برخاست مشکل نشیند ، وقتی ملت خواستند فریب بدهند خودشان را آن مقام پائین آوردند مجدداً دل را نمی توان بدست آورد و مقام اول بدست آورد ، بنابراین ما بیش از هر چیز باید اعتقاد به صداقت ، صفای باطن ، خلوص نیت و اعتقاد بحیثیات و زندگی داشته باشیم ، من نظرم باین جریانها بقول عده ای به مأمورانی که آنها را بدست در باره دولت و حکومت ملی هم را عرض کرده ام و حالاً هم

رض بکنم ، بله صحبت از نهضت بود که
 رض کردم وقتی برایشه عیق نهضت و
 نسبت آن توجه بکنیم باید آنرا مانع
 صحبتها بدانیم ، برای این که شخصیت
 در معرض خطا و اشتباه و همچنین در
 معرض ترك و میر هستند اینها فنا پذیر
 هستند ، آن چیزی که از بین نمیرود ملت
 است (صحیح است) برای این که ملت يك
 فرد و نفر نیست این چشمه لایزال است
 که میجوشد ، این حق طلبی که از حلقوم
 فرد این ملت امروز شنیده میشود ، انعکاس
 نرات و بدبختیهای انسانهای گذشته هم
 است (صحیح است) اینها وقتی میگویند
 حالت اجتماع يك مسئله نیست و يك حقیقتی
 است ، وقتی میگویند توازن در وضع زندگی
 مردم باید باشد سطح زندگی باید طوری
 شد که لااقل قابل زندگی برای طبقات
 مختلف مردم باشد این امر شوخی بردار
 است ، این مطلبی است که باید بان ایمن
 داشت و بان عمل کرد و با عمل ابد مردم
 استمطع نساحت ، در باره این که باید
 در بعضیهای کلی نتیجه گرفت و مباحثی که
 شد این تریبون هم گفته میشود بساید
 تطبیق با اوضاع فعلی باشد ، در باره
 نرات که از نتیجه مبارزات ملت ایران و
 نتیجه نهضت ملی بوجود آمده نظر من
 همان بود که روزی در فراکسیون نهضت
 ملی عرض کردم و قسمتی از آن کار جراید
 منتشر شده بود من هرگز معتقد نیستم که
 این حکومت معایب ندارد و یا دولتی بهتر
 حتی این روی کار نمیتواند بیاید ، نه من
 مالی و امکانات فعلی را در نظر میگیرم
 رای من محرز نیست که در شرایط کنونی
 مالی بهتر از این بتوان روی کار آورد
 لابل این که من چنین قدرتی ندارم که با
 یافتن قدرتی امکان داشته باشد دسیسهها ،
 مالیها ، مواضعها اینها را بی اثر بکنند
 دولتی اید آلی را بوجود بیاورد ، ممکن
 است این تلقیات را بکنند که این اساس
 ملی را متزلزل بکنند ، بعدنقشه خود را عملی
 دارند ، چون ما موظف نیستیم که ایده
 لیست باشیم و دنبال خیال و آرزوهای غیر
 واقعی برویم محدودی این نظر همیشه با این
 که پشتیبان دولت بوده ام از روزی که به
 مجلس آمدم در عرایضی که کردم همیشه
 تفادات منطقی مینمودم ، البته آقایان تصدیق
 فرمایند که انتقادات من با کمال بیفرضی
 و با مؤثر بوده یا نبوده بعرض رسیده است
 (صحیح است) حتی روزی در فراکسیون
 عرض کردم که مرحوم مدرس اعلی الله
 بطوریکه در تاریخ می بینیم روزی که
 سابق سلطنت نرسیده بود اظهار
 میفرمودند که معایب و معاشی دارد ،
 پس را با معایبش باید سنجید و بعد قضاوت
 نمودن این معایب در باره جناب
 آقای دکتر مصدق هم عرض کردم نمیتوان

اینها را تفکیک کرد ، مخصوصاً چند
 شب پیش که دعوت شده بودیم در منزل
 آقای دکتر ، شخصاً آنجا بنده در مسئله
 اختیارات صحبت کردم و اینکه اختیارات
 ممکن است بطور مستقیم یا غیر مستقیم با
 اراده و یا بدون اراده تضعیفی در اساس
 مشروطیت و حکومت پارلمانی ایجاد
 بکنند و گفتم چه محظوری دارید که از
 طریق پارلمانی این اصلاحات
 را انجام بدهید در این باب بحثی کردم برای
 این که خواستم نظرایشان را مستقلاً یا
 مستقیماً در این باب بدانم و برای اینکه خود
 من هم نقیاً یا اثباتاً هر دو را بتوانم استدلال
 بکنم ، صریحاً ایشان فرمودند که برای مبارزه
 ای که ما شروع کردیم خواه از نظر جنبه خارجی
 و یا از نظر داخلی داشتن اختیارات صحیح
 موجب تقویت دولت است نهایت مؤثر است
 همین طور اصلاحاتی که شما خواهان آن
 هستید با وضع عادی غیر ممکن بنظر میرسد
 با اینکه من معتقدم از این اختیارات از نظر
 اصلاحات داخلی آنطور که شایسته است
 عملی نشده آن بحثی جدا است و چنانچه اگر
 وقت باشد بعداً عرض میکنم بعد میبینیم
 که مسئله نفت تقریباً اساس حکومت را
 تقریباً تشکیل میدهد یعنی اثر فوق العاده
 مهمی در نهضت ملت ایران دارد اگر چه -
 محرومیت ملت ایران تنها مربوط به مسئله
 نفت نیست ، مسئله نفت یکی از مسائل بارز
 ملت ایران بوده ولی چون اثر فوق العاده ای
 داشته و شخصی هم که در پیشرفت کار رفت
 بی نهایت مؤثر بوده خود آقای دکتر مصدق
 و حکومت ایشان بود اکنون ایشان هم مسئله
 اختیار زاهم با حکومت و ادامه زمامداری
 خودشان مزوج میکنند یعنی غیر قابل تفکیک
 میدانند بطوریکه در نامه ای هم که دیروز -
 گویا فرستاده اند اینمطلب را تصریح می
 کند که اگر بلا یجه اختیارات رای ندهید
 مثل این است که رای عدم اعتماد داده اید در
 هر حال ایشان با عدم اختیارات حاضر با ادامه
 زمامداری نیستند و مخصوصاً تصریح می
 کردند که بنده اختیارات را مخصوصاً از نظر
 مذاکراتی که با خارجی و در مورد مسئله
 نفت دارم بینهایت مؤثر میدانم البته من هم
 باور نمیکنم يك شخصی مثل آقای دکتر
 مصدق این راهبانه ای برای گرفتن اختیارات
 بکنند (و بخواهند اختیاراتی که از ما
 می گیرند) در يك راه خطائی بکار بندند
 (صحیح است) البته باید مامشوق این باشیم
 که از این اختیارات برفع توده های محروم
 و طبقه سوم از شد خدا کثر استفاده را بکنند
 غیر از این مطالبی که ایشان تصریح می فرمودند
 بنده هم خودم یکی دو بار اینجا عرض
 کردم حتی عرض کردم رایج بوقایع سی
 نیر در اولین نطقی که در آن روز کردم عرض
 کردم مردم در آستانه انقلاب قدم میگذارند
 تمام این قوانین و مشکلات تمام بخاطر
 هستی در گذشتگان است وقتی که آخرین هدف

انسان از دست می رود آخرین نیروی خود را
 بکار می بندد .
نایب رئیس - آقا وقت شما تمام شد .
آقای خلخالی .
خلخالی - اگر اجازه میفرمائید دو
 دقیقه دیگر وقت داده بشود .
نایب رئیس - چون کارهای زیادی
 در دستور داریم خواهش می کنم بهمان يك
 ربع قناعت بفرمائید .
خلخالی - با اینکه اساس مطالب
 بنده باقی ماند با احترام اینکه وقت مجلس
 گرفته نشود بقیه عرایض خود را میگذارم
 برای بعد ولی اینها که عرض کردم مقدمه
 بود (احسنت)
نایب رئیس - آقای مدرس استفاده
 میکنید از نطق قبل از دستور؟ بفرمائید .
مدرس - چون لایحه دولت در موضوع موافقت
 نامه بنظر دستها و وسط تر از نیت و عمل و
 نقل مسافرو کالا بین ایران و ترکیه مشتمل
 بر يك مقدمه و چهارده ماده و سه پروتوکل
 و يك موافقت نامه پرداخت و مراسلات متبادله
 بین طرفین در دستور مجلس قرار دارد لذا
 مناسب دیدم مطالبی را در این موضوع بعرض
 نمایم که آن محترم بر سائتم و تذکراتی بدولت
 بدهم و ضمن سیاستگرایی از ریاست محترم
 که با تقاضای بنده موافقت فرموده و آن
 را در دستور مجلس قرار داده اند از نمایندگان
 محترم مجلس تقاضا کنم توجه فرمایند بلکه
 این لایحه که مدتها است موقوف مانده بتصویب
 برسد .
 این قرارداد که در تاریخ ۲۵ دسامبر
 ۱۹۴۹ بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت
 جمهوری ترکیه منعقد شده متضمن فوائد و
 منافی برای دولتین متعاهدین میباشد و بنده
 زاید می دانم تفصیلاً بشرح آنها بپردازم
 فقط اجمالاً عرض می کنم :
 ۱ - متعدد بودن راههای تجارتی هر
 مملکت کمال ضرورت را دارد که اگر در
 اثر پیش آمدهائی انجام واردات و صادرات
 از يك راه ممکن نباشد از راههای دیگر
 استفاده گردد .
 ۲ - قسمتی از صادرات ایران و اکثر
 صادرات آذربایجان خشکبار است که بواسطه
 گرمای بنادر جنوب ممکن است زود فاسد
 شود در صورتیکه راه ترکیه از حیث آب
 و هوا مساعدتر است .
 ۳ - تجار آذربایجانی از سهمیه وارداتی
 خودشان بهتری میتوانند استفاده کنند و اجناس
 مربوط بهمان سهمیه را سریع تر و ارز انتر از
 این راه وارد نمایند که ضمناً فعالیتی نیز
 در امور نقلیه آذربایجان پیدا و کمیکی به
 اقتصادیات آن سامان بشود .
 ۴ - این راه بدریای مدیترانه براب
 نزدیکتر است از دیگر راهها زیرا از مرز
 ایران تا ازروم تقریباً ۴۰۰ کیلومتر و از
 ازروم تا اسکندرون قریب ۵۰۰ کیلومتر
 و بالعکس از مرز ایران تا دریای مدیترانه که

دریای آزاد است تقریباً ۱۳۰۰ کیلومتر
 میباشد در صورتیکه تنها از رضایه بنادر جنوب
 در حدود ۱۵۰۰ کیلومتر است و کلا پس از
 رسیدن به خلیج فارس باید پس از يك سیر
 و سفر طولانی به کراچی و بعد به بمبئی و
 سپس به بحر محیط هند و عدن و مسقط و بحر
 احمر و کانال سوئز رسید و بالاخره بدریای
 مدیترانه برسد .
 ۵ - کوتاهی راه و نزدیکی مقصد که
 بدینوسیله تأمین میشود مزیت دیگری را
 نیز دارا میباشد و آن سرعت گردش ثروت
 و سرمایه است که تأثیر بسزائی در اقتصادیات
 کشور دارد .
 مطلبی را که لازم میدانم در این
 مورد بوزارت دارائی تذکر دهم و جداً
 خواستار شوم اقدامات قوری و سریع در
 این باب معمول شود موضوع گمرک بازرگان
 است ، ساختمان این گمرک در سال ۱۳۲۰
 پایان رسید ولی اندکی نماند که در شهزبور
 همان سال خراب شد ، در سال ۱۳۲۸
 مقاطعه کاری حاضر گردید با اخذ هفت میلیون
 ریال این ساختمان را تعمیر کند چون مصالح
 خوب بکار نبرد قبل از تحویل بدولت خراب
 گردید و فعلاً این ساختمان خراب در يك
 منطقه سرحدی که در مرئی و نظر مسافری
 داخلی و خارجی و مجاورت ساختمان گمرکی
 آباد دولت همجوار است نمونه بارزی از
 خیانت مقاطعه کار و ضعف دستگاه قضائی و
 سستی دستگاههای اداری است که تا حال
 امر باین مهمی را بلا تکلیف گذاشته اند و
 اکنون باعث تأسف و تأثر هر بیننده میباشد
 و نشان میدهد بیت المال ملت که از خون دل
 مردم لغت و عریان مملکت تشکیل شده
 چگونه با کمال بی رحمی مورد غارت و یغما
 می شود .
 در تاریخ ۲۲ شهریور ماه ۱۳۳۰ از
 ظرف چند نفر از مهندسين وزارت دارائی
 گزارشی تنظیم و ضمن مجسم کردن وضع
 فعلی این ساختمان اظهار نظر کرده اند که از
 ۲۷۷۳۹۲۴ ریال که بایستی خرج بشود
 فقط مبلغ ۲۷۱۱۰۱۸ ریال خرج و بقیه
 که مبلغ ۴۰۶۲۸۹۰ ریال می باشد مورد
 اختلاف است
 با اینکه اداره ساختمان تبریز و اداره
 کل ساختمان و گمرک اقداماتی در باب
 ترمیم این ضرر و زیان وارده انجام و مراسلات
 و نامه هائی رد و بدل شده و حتی در کمیسیون
 متشکله در تاریخ ۲۴ تیر ماه ۱۳۳۱
 تصمیم گرفته شده است که مبلغ ۳۶۰۰۰۰۰
 ریال سیرده پیمانکار و مجموع ده درصدهای
 مکسوره که متجاوز از پانصد هزار ریال است
 ضبط و توسط اداره ساختمان بصرف رفع
 معایب و نواقص برسد ولی تا سال نتیجه ای
 بدست نیامده است چون فعلاً گمرک بازرگان
 از حیث وضع ساختمانی آماده بحول کلاهی
 وارده از مرز است که نسبت به ترمیم
 دولت در صورتی که این لایحه تصویب

انجام این امر بی فایده بوده و کار باین اهمیت در اثر تقلب مقامات کار و مسامحه مأمورین دولت ممکن است تعطیل شود به وزارت دارائی تذکر می دهم دنباله اقدامات خود را بگیرد از تشریفات اداری کاسته و سرعت عمل بیافزاید و هر چه زودتر بتعمیر و اصلاح این ساختمان اقدام نماید

مطالبی را نیز می خواهم با آقای وزیر اقتصاد ملی و شورای عالی اقتصادی تذکر دهم و تقاضا کنم باین مسائل اساسی توجه فرمایند که هم در آذربایجان از این موافقت نامه ترانزیت استفاده مطلوب حاصل شود و هم گرهی از کار فرو بسته ولایات که عموماً بوضع اسف آوری دچار شده اند گشوده شود

اینجناب چندی پیش مطالبی در پشت این تریبون راجع بوضع ولایات بیان نموده و عرض کردم که یکی از علل خرابی ولایات و قصبات و دهات و عدم رضایت مردم شدت تمرکز امور در تهران و مسلوب الاختیار بودن اهل ولایات در مسائل محلی و تسهیلات و مزایائی است که در کلیه امور عملاً بمرکز نشینان قائل و سکنه ولایات را از آن محروم ساخته اند

بنده که افتخار نمایندگی یک شهرستان حوادث ذیده ای را دارم بر خود فرض دیدم آنچه را که برای المین دیده ام و بواقعیت آن عین الیقین دارم بمرض نمایندگان محترم برسانم و دولت را بمواقب وخیم این جریان اسف آور متوجه سازم و ضمن عرایض پیشنهاداتی کردم و سپس برای اینکه قسمتی از این عرایض جامه عمل بیوشد این پیشنهادات را بدولت دادم : وزارت اقتصاد ملی مکلف است که سهمیه وارداتی هر شهرستان را بنسبت جمعیت خود آن شهرستان در مقابل گواهی نامه بوسیله بانک ملی شهرستان مزبور ببازرگانی بدهد که ساکن همان شهرستان بوده و مرکز تجارتی شان نیز در همان جا باشد بشرط اینکه کالای مربوط بهمان سهمیه مستقیماً یا بوسیله پاساوان از گمرک یا اداره دارائی همان محل مرخص گردد تشخیص سکونت یا عدم سکونت تاجری در شهرستانی و تشخیص مرکز تجارتی وی باطابق بازرگانی هر محل است و در صورتیکه اطاق بازرگانی در آن محل وجود نداشته باشد باطابق بازرگانی مرکز هر ایالت است

اداره گمرکی که جنس بآن وارد شده باید تمامی حقوق گمرکی و پاساوان را طبق مقررات دریافت کرده و سپس دستور پاساوان را صادر نماید ولی در صورتی که وارد کننده نتواند حقوق گمرکی و پاساوان را نقداً بپردازد اداره گمرک باید کالای مربوطه معادل دو برابر حقوق گمرکی و پاساوان را بعنوان وثیقه نگاهداری و گواهی مربوطه را صادر کند و بدهد و تا آنکه وثیقه

بازرائه آن گواهی میتواند جنس را از گمرک یا اداره مربوطه مرخص نماید . عوارض شهرداری که از هر جنس طبق مقررات جاری اخذ میشود در گمرک یا اداره دارائی مربوطه همان شهرستان دریافت و جزو در آمد همان محل محسوب خواهد شد .

و برای تشویق تجار باقامت در ولایات پیشنهاد کردم از کالاهای تجارتنی وارداتی که از گمرکات تهران و خوزستان مرخص میشود علاوه بر حقوق و عوارض گمرکی فعلی صدی ده نیز اضافه باید دریافت شود و این صدی ده اضافی در عمران و آبادی ولایات به نسبت جمعیت صرف گردد . از کالاهاییکه از گمرکات طهران و خوزستان صادر میشود صدی هفت و از کالاهاییکه در گمرکات سایر شهرستانها صادر میگردد کمافی السابق صدی ۵ ارز بیانسک ملی فروخته شود .

باینکه جناب آقای نخست وزیر این پیشنهادات بنده را در تاریخ ۸-۱۰-۱۳۳۱ بوزارت اقتصاد ملی و شورای عالی اقتصادی ارسال و دستور داده اند در این باب مطالعه و توجه شود و باینکه خود این جانب در تاریخ ۲۰-۱۰-۳۱ مراتب را مجدداً تعقیب کرده ام معلوم نیست چرا باین قسمت توجهی نشده است همین قدر عرض میکنم این عرایض بنده در موضوع عقب ماندگی ولایات ترجمان حال میلیونها مردم محروم این مملکت است سیاست اقتصادی ناروای دولت ها چرا باید مردم را تشویق کند که دست از مسکن و مأوای مألوف خود بشویند و دهات و قصبات و شهرها را ترک کرده و در مرکز مجتمع شوند . آقایان تصدیق میفرمایند که اینوضع به صلاح مملکت نیست دهات و ولایات که ارکان و پایه های مملکت است باید محکم و استوار و آباد و اهالی آنها مرفه الحال و آسوده باشند .

مطالب دیگری که میخواهم اجمالاً بدولت تذکر دهم این است که اولاراهای شوسه آذربایجان خصوصاً راههایی که باید ببازرگان برسد بی نهایت خراب است و وزارت راه لازم است در این باب توجهی عاجل بنماید . و با توجه بماده ۱ قرار داد ترانزیت آنها را تعمیر کند بنحوی که وسائط نقلیه بتوانند در این جاده ها مرتباً و باسانی رفت و آمد نمایند .

ثانیاً چون اکثر صادرات آذربایجان خشکیار است و تر کبه هم نظیر همین کالاهای صادراتی را دارد برای اینکه روی اصل رقابت تجارتی در هادر شدن این قبیل اجناس بویقی رخ ندهد بهتر است پس از تصویب این لایحه وزارت خارجه شرحی بدولت جمهوری تر کبه ارسال دارد که مأمورین مربوطه در فراهم آوردن تسهیلات حمل

مال التجاره های ایرانی سعی لازم را مبذول دارند و بهیچوجه و بهیچ بهانه ای حمل و عبور آنها را به تعویق نیاندازند گرچه حسن نیت و حسن تفاهم دولتی نسبت بهم قابل تردید نیست .

ثالثاً چون بر طبق ماده یک پروتوکل شماره ۳ مربوط بوسائل ارتباط شرکت های خصوصی حمل و نقل که مرکز آنها در ایران است از طرف دولت جمهوری تر کبه اجازه خواهند داشت که سرویس حمل و نقل موتوری خود را در مورد کالاهای ترانزیتی یا کالائی که مبدأ و یا مقصد آن یکی از ۲۱ کشور است تا طر بوزان بسط دهند لذا دولت باید نظارت کامل کند که شرکت ترانزیت ایران باشر کتهای مجاز دیگر میزان گرایه را بالا نبرند و در حمل کالاها تبعیضاتی قائل نشوند و نظم و ترتیب و مراتب عدالت را از هر حیث مرعی دارند و برای تأمین منافع شخصی پای دوی مصالح نوعی و اجتماعی نگذارند .

رابعاً دولت ایران بادولت تر کبه داخل مذاکره شود که حتی الامکان عوض ارز از کالاهای ایرانی مخصوصاً نفت و بنزین قبول کنند .

نایب رئیس - آقای حائری زاده بفرمائید .

وزیر دارائی - اجازه می فرمائید ؟

نایب رئیس - هنوز وارد دستور نشده ایم . (بعضی از نمایندگان - مانعی ندارد)

بفرمائید آقای وزیر دارائی

۳- معرفی آقای علی مصطفوی بمعاونت وزارت دادگستری بوسیله آقای کاظمی نایب نخست وزیر

وزیر دارائی - چون جناب آقای وزیر دادگستری کسالت دارند از بنده تقاضا فرموده اند که آقای علی مصطفوی را بسمت معاونت وزارت دادگستری معرفی کنم « مبارک است »

۴- بیانات قبل از دستور آقای حائری زاده

نایب رئیس - آقای حائری زاده .

حائری زاده - بنده ضمن لایحه بر خلاف قانون اساسی اختیارات اسم نوشته بودم که صحبت بکنم ولی آنچه احساس کردم این است که ممکن است بمن نوبت نرسد لذا بعنوان قبل از دستور صبح آمدم اجازه گرفتم که مطالبی که لازم است بمرض آقایان و ملت ایران و جهان بیان برسد عرض کنم در این کتاب (اشاره بمجلسه مذاکرات مجلس نبودند) هم مال شش ماه اول مجلس شانزدهم است نطقهای زیادی

از آقای دکتر مصدق در مجلس هست یک تکه کوچکی را در اینجا گرفتم مردم پیدا میکنند با اطلاع آقایان میسران که علماء حقوقی که فعلاً در مجلس هستند مقلد خودشان تکلیف خودشان را بفهمند بعضی از مسائل واجب کفائی است اگر یک نفر یا جماعتی اقدام کردند اسقاط تکلیف میشود و اگر کسی حاضر برای انجام وظیفه نشد واجب عینی است

موضوع کوتاه کردن دست تجاری انگلستان و محور آثار قرارداد شوم نفت برای هر ایرانی واجب بود اقدام کند ولی در موقتی که من در ادوار چهار و پنج و یازدهم مجلس اقدام کردم بنظر اشخاصیکه امروز مبارزه با انگلستان و کوتاه کردن دست کمیانی غارتگر سابق دکانی شده عمل احماقانه و اقدام در امر مجال بود و بحمدالله خداوند عالم مقدر فرمود و اوضاع بین المللی مساعد شد و مبارزه شرافتمندانه و رشیدانه مردم ایران خاصه اهالی تهران این امر مجال را ممکن و عملی ساخت

و امروز اشخاصی چند سینه را جلو داده و بهلوان معر که میباشند و من مسرورم که برای من واجب عینی نیست و بقدر کفایت گویند گان و نویسنده گان موضوع قطع رابطه و خلع ید را برای خود دکان قراردادها محتاج نیست من در این موضوعات زیاده صحبت کنم - هر ملت و مملکت متناسب با لیاقت و موقعیت خود در این دنیای پر آشوب سهم و نصیب دارد ملت ایران که سالیان دراز مشعل دار تمدن شرق بوده و موقعی که جزیره نشینان ساحل تایمزد در عالم توحش زندگان داشتند درس سیاست و اداره مملکت با جهانیان داده امروز بواسطه حوادث روزگار و موقعیت جغرافیائی گرفتار انواع مصائب شدائد گردیده - ما اول باید خودمان را اصلاح کنیم بعد توقع مساعدت و کمک از دیگران داشته باشیم

دولت جناب دکتر مصدق با کمک سایر افراد ملت ایران موفق شد قدم بگذارند برای مطالبه حقوق مقصوبه ایران گوشش کند البته در سیاست کلی همه ملت ایران پشت و پناها بوده ولی در انتخاب طرف افتخاریا انتقاد متوجه شخص ایشان است و من اقرار میکنم که از روز اول در طرف مبارزه اختلاف نظر داشتم و برای اینکه مقابل خارجیها این اختلاف نظر در ایران نباشد همیشه از ایشان کمک گرفتم دولت جناب دکتر مصدق بفرمائید جناب مهندس رضوی نایب رئیس مجلس حساب مخصوص دارد و متنگی است بمجلس اواخر تیر ۱۳۳۱ و فریاد بامرک بانصاف مردم و ابداً ایشان در مجلس دیده نشدند و با اختیار اینکه دارند قوانین مطبوعه امنیت اجتماعی و غیره میکنند مانند نمایان از دسترس مردم دور و فقط برای ایشان را زیارت کرده دستور گرفته می نمایند

لازم است قبل از ورود در مطلب من
اب مقدمه عرض کنم مخالفت با لوائح دولت
انتقاد چند صورت دارد یکی از اقسام آن
انتقاد انتقادی میباشد که در دوره ۱۶ اقلیت
داشته و این اقلیت جناب دکتر محمد مصدق
بود که باشکستن میزد در موقع نطق رزم آرا
و اظهار بیست تریبون در موقع ریاست وزرائی
نصیر الملک که سر ترا مثل جوجه خواهم کند
و غیره که این طریقه و رویه را اقلیت تخریبی
بلیغ نام گذارد و برای تخریب همه نوع
اصلحه و ابزار مفید است از حربه فحش و
تهمت و غیره

یکی اقلیت مخالف انتقادی و اصلاحی
که رویه مرحوم مدرس بود در دوره پنجم
مجلس که من خوشبختانه باید بختنامه در هر دو
اقلیت شرکت داشته ام و هفتای من در ادوار
مختلف در صبغات تاریخ ضبط است و اگر
جناب دکتر مصدق از من گله نمودند که
چرا نطقه جلو میز را مسامحه در شکستن آن
نمودم چون میل دارم همیشه انتقاد اصلاحی
داشته باشم لذا در تمام موارد میتوانستم و نمی
توانم با جناب دکتر مصدق همکاری نمایم و
بقول رفیق محترم خود آقای مشار نه در
صف مجذوبین و مرعوبین بوده فقط رویه
انتقاد اصلاحی را داشته و تا ما یوس از اصلاح
نشده مبادرت بمخالفت با اختیارات نگردم
زیرا که جناب دکتر محمد مصدق را برای
اقلیت منفی و تخریبی وجود بسیار مفیدی می
دانم ولی از اینکه ایشان موفق با اقدام اصلاحی
شوند چندان امید نداشتم و اخیراً با اوضاع
بین المللی بکلی مایوس شدم و ابتدا روزنه
امیدی برای رفع بحران فعلی و بدبختی
مملکت نمی بینم و این دکان نفت را که برای
جماعتی نان و آب و برای مملکت فلاکت
و نکتت بار آورده باید بست و تفکر
دیگری کرد

این مذاکرات آمریکا با ایران برای
وارد کردن ایران در صف دول غربی است
و صحبت نفت برای بهانه و برای اغفال است
اگر پیش نهادی که در زمان حکومت رزم آرا
راجع بملی شدن نفت من کردم و جناب دکتر
محمد مصدق امضاء نمودند تعقیب شده بود
امروز گرفتار این بدبختی و فلاکت نبودیم
ولی ایشان پس از گشته شدن رزم آرا محیط
را برای تصمیم انفرادی مناسب دیده و از آن
حدود تجاوز کرده و ملت ایران را در کوچه
بن بست گذارده فقط انتظار دارند عمو زاده
های انگلیسها بر خلاف منافع انگلستان
مارا از این بدبختی نجات دهند
دریغ از راه دور و نوح بسیار

از دولت ایشان پرسش خیلی مختصر است
راجع بامنیت داخلی در بیست ماه اخیر و مقایسه
آن با بیست ماه قبل از دولت جناب دکتر محمد
مصدق آیا در این مدت چه کشتارها شده که
اولین دفعه آن موقع در و دهارتین بود که
جماعتی روی منافع سیاست خارجی بطرف

مجلس آمدند و با قوای دولتی تصادم حاصل
شد و جمعی گشته و دستگیر و حبس شدند و
جناب دکتر مصدق ابتدا مسئولیت این جنایات
را قبول نکرده و فرمودند رئیس نظمی
طبق میل شاه معلوم شده و من مسئول نیستم
و رئیس نظمی را که چند روز بیشتر نبود
متصدی شده بود حبس کردند و موضوع
ماست مالی شد و در دفعات بعد کراراً از این
قبیل جنایات اتفاق افتاد گاهی عامل را
منتسب بچپ گاهی بر است معرفی نمودند و
گاهی منجر بآتش زدن خانه روزنامه - معازه
شد گاهی در محیط مدارس سرودست شکست
تا چند روز قبل که دامنه عملیات شرارت بعدی
توسعه یافت که از جلو مجلس گرفته تالاله زار
و خیابان اسلامبول و سایر خیابان ها سرایت
کرد و حتی شنیدم جمعی با چوبهای متحد
الشکل و حربه سرد از قبیل کارد و ساطور و
غیره و لباسهای فرم مخصوص متصدی بوده اند
یکدفعه یک اتوبوس حامل جماعتی شد و
بدقتری با قرائت خانه و کس و غیره حمله کردند
در ایام نوروز که در طهران نبودم شنیدم بجای
جشن در بعضی از منازل عزا بوده و کشتار
دسته جمعی شده - حتی شنیدم در مشهد
بخانم یکی از مأمورین خارجی که مسلمان
بوده و عازم حرم مطهر بوده حمله شده علاوه
بر شرارتهای مرکز دردهات و قصبات شرارت
شروع شد و شرارتهای دسته جمعی - پرسش
من این است که شما احصائیه مقتولین و مجروحین
و جلب شدگان زندان را در این مدت بیست
ماه دارید که در ایران چه بوده تا مقایسه شود
با بیست ماه قبل از حکومت جناب دکتر
مصدق آیا در این بیست ماه قتل و جرح و
ضرب و حبس بیشتر بوده یا ۲۰ ماه قبل و
با بودن قانون بگپرو پیند بدون دلیل زمان
حکومت فعلی که قبلاً وجود نداشت امنیت
در مملکت بیشتر بوده یا قبل از آن تجارت
خانه و بنگاه باید آخر سال بیلان بدهد و
مقایسه شود که آیا این بنگاه نفع داشته یا
ضرر اگر نفع داشته باید کمک کرد و اگر
ضرر داشته باشد بست و رفت و بنگاه جدید
باز کرد

حکومت نباید بجای امنیت حرف و
تهمت و ناسزا تعویب دهد و پشت دستگاه
رادبو موجبات هرج و مرج و آشوب را در
مرکز و ولایات فراهم کند و یک دسته اشخاص
نوکرها که منصوب فریاد مرده باد و زنده باد
بکشند زیرا که افراد نوکر حاکم منصوب
در تمام طبقات هست در صرف و کبیل و وزیر
بازاری و روزنامه نویس و واعظ و غیره حکومت
نباید متوسل بحربه تهمت و افترا شود و سلب
اعتماد جامعه را از خود بیناید

چنگ نفت که برای بعضیها دکان و
نان و آب شده از دوره چهارم و پنجم مجلس
که سی سال قبل باشد در مجلس شروع شد
و آخراً من شروع کردم و در مواقع خطر
همه جا بودم تا وقتی که کمیسیون مختلط
فرار شد تشکیل شود دیدم داوطلب زیاد

است و این واجب کفائی را دیگران با میل
انجام میدهند داوطلب نشدم حتی بعضی از
آقایان که فعلاً در مجلس حضور دارند بامان
صحبت کردند گفتم داوطلب نیستم و دیگران
که داوطلب هستند باید مقدم باشند دیگر
کسی داوطلب نبود حاضر بودم عهده دار
این زحمت بشوم من از مجلس توقع ندارم
مطابق نظر من رأی بدهد این مطالب را
برای ضبط در تاریخ میگویم که دیگران بعد
قضایت غلط نکنند

است و این واجب کفائی را دیگران با میل
انجام میدهند داوطلب نشدم حتی بعضی از
آقایان که فعلاً در مجلس حضور دارند بامان
صحبت کردند گفتم داوطلب نیستم و دیگران
که داوطلب هستند باید مقدم باشند دیگر
کسی داوطلب نبود حاضر بودم عهده دار
این زحمت بشوم من از مجلس توقع ندارم
مطابق نظر من رأی بدهد این مطالب را
برای ضبط در تاریخ میگویم که دیگران بعد
قضایت غلط نکنند

دستگاه سالوس و تهمت و افترا ممکن
است تا مدتی عوام را گول بزند ولی پس
از کشف حقیقت همان عوام که بامارک یا مصدق
گفته خودشان دوست و دشمن خود را تشخیص
خواهند داد

باحبات يك ملت برای ریاست چند
روزه نباید بازی کرد (بهادری - صحیح
است) من ۲۴ نفر فاصله با حسین بن علی
بیشتر ندارم اگر تشخیص دهم که نجات
ملت و مملکت من در سایه فداکاری است رویه
چند خود را اتخاذ خواهم کرد این مردم و
مملکت و دایع الهی میباشد که امروز
بماها سپرده شده نباید در امانت خداوند
خیانت کنیم
من مصلحت را در سکوت ندانستم و
اطمینان دارم که مسافرت جناب چرچیل
ب امریک و ریاست جمهور ترومن با ایزن هاور
برای ذبح ملل تضعیف است در این زستانخیز
جهانی هر ملتی باید خود فکری بحال خود
کند و منتظر امریک و روس و انگلیس
نباشد ملت را تا چندی با دروغ و حرف میتوان
اغفال کرد ولی دوام ندارد من میل ندارم
وارد بحث در هویت اشخاص بشوم از انتخاب
حاکم نظامی و مرزبانی و سرپرست نطق
غیره این مطالب را میگنارم برای وقت
دیگری عجل تأییرش من از دولت این است
که بیلان ۲۰ ماه حکومت جناب دکتر
محمد مصدق را از قتل و جرح و ضرب
و حبس را با ۲۰ ماه قبل از حکومت ایشان
بدهد تا معلوم شود چه کسی منافع انگلستان
را که جز خرابی این مملکت چیز دیگری
نیست تأمین کرده است

حالا وارد موضوع لایحه دولت میشوم
جناب دکتر محمد مصدق ۱۸ ماه از مجلس
تقاضای اختیار قانونگذاری فرموده پنج ماه
آن گذشته ۱۳ ماه آن باقی است شش ماه
تصویب شده یکسال باقی است اولاً مجلس
حق نداشت با ایشان اختیار بدهد (بهادری -
صحیح است) طبق عقیده خود ایشان زیرا
که ایشان کراراً در همین مجلس راجع به
اختیارات دکتر میلیسیو و اختیار وزارت
دارائی برای تعرفه گمرکی اظهار داشتند
که مجلس و وکیل ایران طبق قانون اساسی
وکیل در توکیل نیست و باید خود قانونگذار
باشد و نمی تواند حق خود را بدیگری بدهد
حالاً من این تکه اش را میخوانم اول این که

ما نمایندگان وکیل در توکیل نیستیم
که بدولت اجازه دهیم از طرف مجلس
قانون وضع کند و اصل بیست و هفتم متمم
قانون اساسی وضع و تصویب قوانین را از
حقوق خاص اعلی حضرت شاهنشاهی و مجلس
شورای ملی و مجلس سنا قزارداده است و
اصل بیست و هشتم اینطور میگوید که
قوای ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز
و منفصل خواهد بود یعنی قوه مجریه حق
تصویب قانون ندارد و چنانچه مجلس شورای
ملی این حق را بآن قوه دهد نقض اصول
قانون اساسی را نموده است مجلس شورای
ملی که باید حافظ قانون اساسی باشد نباید
آنها نقض کند و آقای وزیر دارائی که
دکتر در علم حقوقند باید بقانون اساسی
احترام کنند و پیشنهادی نکنند که ناقض
آن بشود حالا بنده هم عرض میکنم که
آقای دکتر مصدق که عالم حقوقند نباید
نقض قانون بکنند دوم دادن چنین اختیاراتی
بر خلاف قانون بر فرض اینکه دولت مورد
اعتماد جامعه بود سبب خواهد شد که سابقه
بدی ایجاد و حکومت ملی را مبتزل کند
و دولتهای بعد از این قانون یا نظایر
آن سوء استفاده کنند نطق ایشان مشروح
است این تکه اش را برای اینکه من کم است
بیشتر نمیخوانم

فایب رئیس - جناب آقای حائری زاده
وقت شما تمام شده است

حائری زاده - اجازه بدهید خیلی
مختصر است بقیه اش را هم بخوانم ده دقیقه
بنده بیشتر وقت نمی خواهم از آقای مدرس
که کمتر مصرف کردند بنده ممکن است
استفاده کنم

بعضی از نمایندگان - بفرمائید
فایب رئیس - چند دقیقه وقت
می خواهد ؟

حائری زاده - ده دقیقه
فایب رئیس - آقایان بیکه موافقت
آقای حائری زاده ده دقیقه دیگر صحبت
کنند قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند)
تصویب شد . بفرمائید

حائری زاده - قانون اساسی ما را
وکیل در توکیل نشانخته باید قانونگذار
خودش انجام وظیفه کند
این فرمایش ایشان صحیح است و اگر این
اختیارات تصویب شود لازمه آن حکومت
فردی است و دیگر احتیاجی نداریم بوجود
مجلس و صرف بودجه زیاد و چند هزار
سال ایران این رویه را داشته و در زینای
اخیر این همه فداکاریهای احرار موجب شد
که حکومت از شخص منتقل بجماعت شد و
نمایندگان ملت مختار در تعیین مقدرات ملت
شدند جناب دکتر مصدق فرمایش خود را
در مجلس فراموش کرده و در پناه سر نیزه
و طومار و تلگراف و نصح مطالب اختیار
می فرمائید این ابرار احساسات یک شاهی

ارزش ندارد و اگر مردم نسبت باقلیت ابراز احساسات نمایند کما اینکه در موقع انتخابات دوره ۱۶ نسبت بجناب دکتر مصدق و دیگران کردند این احساسات مقدس است ولی ابراز احساسات دنبال آن نطق شرایا فحش رئیس دولت که مملکت را برای قیام علیه نمایندگان خود تحریک کرد یکشاهی ارزش ندارد زیرا که این مملکت بعقیده من حکومت بوقلمونهاست هر شخص بر کرسی قدرت جلوس کرد تمام بوقلمونها دور او را محاصره میکنند و اراده خود را در سایه تملق و بادنجان دور قاب چیدن بر او تعقیب می کنند البته درجه نفوذ بوقلمونها با درجه مقاومت صاحب قدرت فرق دارد

رضا خان جزء هزار فامیل نبود بعد شش یا هفت سال بوقلمونها در او نفوذ کردند و او را وادار بچپاول و غارت ساختند و روز ملت را سیاه کردند و الا رضا خان خدماتی کرد کایتولا سیون را الغاء کرد دسته شاه گرد بارویا فرستاد اصلاحات زیاد کرد و اگر عمل بد را نکرده بود مورد انتقاد کمتر بود اول موضوع سیاست خارجی و نفت بود که مخالف مصالح ایران عمل شد دوم مملکت در زمان اوقضاالرجال شد و امثال مدرس از بیت رفتند و کشته شدند و جاسوسها و خائنین جای آنها را گرفتند و مانع از رشد فکری مردم گردیدند و آنچه در دوره اوتریت شد برای تملق و نوکری و جاسوسی مناسب بودند نه برای فرماندهی افکار عمومی و طرح نقشه اشخاصی بخرج دولت رضا خانی بارویا رفتند که بوقلمون صحیح النسب بودند پس از مراجعت از خارج داوطلب انجام وظیفه در پرورش افکار دوره رضا خان شدند بعد مامون داکتر کشاورز شدند بعد وزیر قوا و السلطنه شدند بعد عقل منفصل داکتر مصدق شدند و در صف هزار فامیل وارد شدند هر روز هر رنگی مد شد همان رنگ را اختیار نمودند

این حکومت بوقلمونها هنوز هست اختیارات بجناب داکتر مصدق دادن که ایشان خود مقاومت رضا خان را ندارد و از هزار فامیل است و لازمه اختیارات بایشان استفاده منسوبین ایشان و این بوقلمونها است و نباید مملکت را فدای هوس یکمده قرار داد چاه رفتن و مار گرفتن بمشق شبطان این عمل ماها است

آقایان شماها چه حق دارید امانت ملت که حق قانونگذاری است بدیگری بدهید اگر برای مصالح داخلی است که این حکومت ۲۰ ماه و اختیارات ۵ ماه دیدیم چه نمر داشت غیر از هو و جنجال چیز دیگری ندیدیم البته هر وقت که ایستاد سقوط یک دولت فاسد لازم است ولی برای اداره مملکت که نباید رئیس دولت مرکز قانون گذاری را مورد فحش و افسار افرا دهد و باید شکله را در مملکت را آشوب کند و خود در اطراف خواب منحصوری شود

آقایان خیلی از دوستان من میگویند که چرا خود را با اشخاص هوچی که قدرت مملکت را در دست گرفته طرف ساخته همه گونه خطر برای تو ایجاد میکنند بنده عرض میکنم شش دفعه نمایندگی مجلس برای انجام وظیفه من کافی است و با جناب داکتر مصدق گفتم که برای دوره ۱۷ من داوطلب نیستم زیرا که از بودن در صف اقلیت پنج دوره فرسوده شده و امید می ندارم اکثریت صالح طلب تحول اساسی در مجلس بوجود آید لذا چون کارمند دولت هستم توقع ارجاع شغلی در خارج ایران دارم شاید در خارج بتوانم خدمتی بملت و مملکت خود بنمایم

ایشان قبول نکردند و فرمودند اگر مجلس تشکیل شد و نا راضی بودی آنوقت باید در فکر خدمت دولتی بود امروز چون از طرف ملت مأمورم که در د آنهارا بگویم استعفا را صحیح نمی دانم و برای انجام وظیفه هر چه خطر باشد حاضرم و اول مجلس ۱۷ از وزارت دادگستری تقاضا کردم که هر موقع مقتضی دانند تقاعد من را بگریان بگذارند که بعد از ختم مجلس ۱۷ از سیاست و خدمت دولت خارج شده چندی در یکی از نقاط دنیا بدون داشتن سمت و مقامی مشغول انجام وظیفه بشوم امروزه مجبورم انجام وظیفه کرده و بگویم مخصوصاً راجع بمسائل خارج صلاح نیست قدرت و اختیار بدست یک نفر باشد هر چند بسیار قوی باشد در صورتیکه جناب داکتر راجع بمسائل جزئی گرفتار گریه و غش میشود و روح حساس دارد و تحت تأثیر مرض و حتی بیکاری فلان برادرزاده و خواهرزاده عمه زاده دائمی زاده می رود و نمیتوان مملکت را ملعبه فکر علیل کرد بعقیده من باید من و جناب داکتر هر دو در آسایشگاه قدری راحت کنیم و طالب اختیار در این دنیای پر آشوب نباشیم

امروز رجال بزرگ جهان برای رفع مسئولیت سعی دارند عموم ملل را شرکت در کار دهند که خرابی دامنگیر اینها نباشد این تقاضای جناب داکتر که اختیارات از مجلس بگیرد بیشتر من را معتقد ساخت که مزاج علیل دارای فکر علیل است و پس از اختیارات یکدفعه از دفعاتی که احضار شده بودم خدمت ایشان شرفیاب شدم و راجع بقانون انتخابات مجلس شورای ملی مذاکره شد من عرض کردم خدمت من بشما اینست که کمتر شرفیاب شوم تا مجال فکر داشته باشید و این اختیار فکری نگذارید بدست چند نفر مدیر کلها نباشد و خود شما در تمام جزئیات فرصت مطالعه داشته باشید

من بایستی سواد می و کمی تجربه آنچه بمثل نیافتم من میرسد عرض کردم امیدوارم بحکومت بوقلمونها با همت ملت ایران خاتمه داده رجالی که امروز در مملکت خیلی کم شده این کشتی شکسته را ساحل نجات برسانند

ضمناً شرحی است که حضرت آیت الله رئیس محترم مجلس بجناب آقای نایب رئیس نوشته اند که من میبهم خدمتتان که دستور فرمایند فراتر شود

۵- قرائت نامه آقای آیت الله کاشانی ریاست مجلس در موضوع اختیارات نایب رئیس - وارد دستور میشویم

نامه مقام ریاست قرائت میشود (بشرح زیر بوسیله آقای ناظر زاده قرائت شد)

توسط جناب آقای ذوالفقاری نایب رئیس محترم مجلس شورای ملی

بسم الله الرحمن الرحیم

مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

بحکم محکم قرآن مجید که بهترین رهنمای خلق جهان است و نعمت اسلام که از راه مرحمت حضرت باری تعالی بر جامعه بشریت جهان ارزانی گردیده و دستور متقن حضرت خیر الانام که امر و مقرر است برود ایام و سیرده های مردم طریق امانت ملحوظ گردد و در جمیع حال و احوال هسگی خدای را حاضر و ناظر دانسته و اجتناب از مناهی و خبیات نموده طریق رستگاری را بیمائیم بر حسب وظیفه دیانتی خود و سمت ریاست مجلس شورای ملی که بنا بر اصرار آقایان نمایندگان عهده دار می باشم باید با اطلاع مجلس برسانم ملت ایران در اثر کوششهای فراوان و فداکاری های بسیار و دادن تلفات بی شمار بر طبق قانون اساسی مورخ ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۴ دارای حقوقی است که حفظ و صیانت آن بعهده نمایندگان محترم مجلس و زعمای قوم و عامه ملت شناخته شده و آقایان نمایندگان محترم هم بنگهداری آن با خدای خود طبق قسم نامه ای که در اصل یازدهم قانون اساسی مندرج است عهد و پیمان بسته اند چون در اصل ۲۷ متمم قانون اساسی حق قانونگذاری بعهده مجلس شورای ملی محول گردیده است و قوه قضائیه بمحاکم شرعیه در شرعیات و بمحاکم عدلیه در عرفیات و اجرای قوانین در عهده هیئت دولت و قوه اجرائیه واگذار شده و در اصل ۲۸ قوای ثلاثه مزبور را برای همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل نموده است و تخلف از مواد مزبور که روح قانون اساسی و حکومت مشروطه می باشد تمکین در برابر حکومت خود سری و تسلیم بمطلق العنانی است و مخالف صریح قانون اساسی میباشد که نگهداری آنرا بنمایندگان محترم مجلس در برابر خدای بزرگ و ملت ایران قسم یاد نموده اند بنا بر وظیفه محوله از طرف خلق فداکار ایران بنمایندگان مجلس و تفویض سمت ریاست مجلس باین جانب از طرف نمایندگان لزوماً بالصراحه اعلام مینمایم که لایحه اختیارات تقدیمی آقای داکتر مصدق نخست وزیر بمجلس شورای ملی مخالف و مبین مسلم اصول قانون

اساسی و صلاح مملکت و دوات است و با وصف مجلس شورای ملی نمی تواند لایحه ای را که مخالف صریح با قانون اساسی دارد و موجب تعطیل مشروطیت و ناقص مملکت طرفی حدود اختیار نمایندگان مجلس شورای ملی در حدود و کالتی است که بموجب قانون آنها واگذار شده و حق واگذاری قانون گذاری را بغیر ندارند و روشن است چنین عملی فاقد ارزش قانونی است بناء علیها بدستور صریح قانون قدغن مینمایم که از طرح آن در جلسات علمی مجلس خودداری شود و نمیتواند چنین لایحه ای جزء دستور قرار گیرد و در گذشته نیز اشتباهی را که نمایندگان محترم نمودند دلیل و مجوز تکرار آن نیست از راه علاقه و صلاح اندیشی با آقای نخست وزیر هم توصیه میکنم راهی را که برای ریشه کن نمودن آثار استعمار و موقفت در امر حیاتی نفت در پیش داریم فقط با تمسک بعجل المتین خداوندی و حفظ سنن مشروطیت و قانون و رعایت حقوق عامه ملت ایران مبسر است و اقدامات لازمه برای انجام و تصفیه موضوع نفت که مورد پشتیبانی و کمک کامل اینجناب و مجلس شورای ملی و ملت شرافتمند ایران است بهیچوجه از تباطل با اختیارات غیرقانونی ندارد و بالعکس تخلف از قانون اساسی و تجاوز بحقوق مردم به مقاومت ملت ایران منتهی میگردد و مارا از راه جهاد بزرگی که علیه دول استعماری در پیش داریم باز میدارد

بزرگی دولتها و قدرت آنها در احترام بقوانین است و همه باید در برابر عظمت آن زانو زده و فکر قانون شکنی را از خود دور دارند و همواره در ادوار گذشته خود ایشانهم مؤید این نظر و معترف باین رویه بوده اند

باید بامردم بود تا در آغوش قدرت و توانائی و پشتیبانی آنها به نتیجه اصلی مبارزه علیه استعمار و نجات مملکت توفیق حاصل آید و مجبورم که باستحضار جناب ایشان برسانم تا موقعیکه اینجناب وظیفه دار ریاست مجلس شورای ملی هستم اجازه طرح نظیر این لوایح را که مخالف صریح اصول قانون اساسی مملکت دارد در مجلس جایز نمیدانم

رئیس مجلس - سید ابوالقاسم کاشانی

اساسی و صلاح مملکت و دوات است و با وصف مجلس شورای ملی نمی تواند لایحه ای را که مخالف صریح با قانون اساسی دارد و موجب تعطیل مشروطیت و ناقص مملکت

۱۱-۲۴-۲۵-۲۷ از قانون اساسی اصول هفت و بیست و هشت متمم آن میباشد و در حقیقت با عدم رعایت تفکیک قوای مرفوعه مملکت بحالت دیکتاتوری بر میگردد و طرفی حدود اختیار نمایندگان مجلس شورای ملی

در حدود و کالتی است که بموجب قانون آنها واگذار شده و حق واگذاری قانون گذاری را بغیر ندارند و روشن است چنین عملی فاقد ارزش قانونی است بناء علیها بدستور صریح قانون قدغن مینمایم که از طرح آن در جلسات علمی مجلس خودداری شود و نمیتواند چنین لایحه ای جزء دستور

قرار گیرد و در گذشته نیز اشتباهی را که نمایندگان محترم نمودند دلیل و مجوز تکرار آن نیست از راه علاقه و صلاح اندیشی با آقای نخست وزیر هم توصیه میکنم راهی را که برای ریشه کن نمودن آثار استعمار و موقفت در امر حیاتی نفت در پیش داریم فقط با تمسک بعجل المتین خداوندی و حفظ سنن مشروطیت و قانون و رعایت حقوق عامه ملت ایران مبسر است و اقدامات لازمه برای انجام و تصفیه موضوع نفت که مورد پشتیبانی و کمک کامل اینجناب و مجلس شورای ملی و ملت شرافتمند ایران است بهیچوجه از تباطل با اختیارات غیرقانونی ندارد و بالعکس تخلف از قانون اساسی و تجاوز بحقوق مردم به مقاومت ملت ایران منتهی میگردد و مارا از راه جهاد بزرگی که علیه دول استعماری در پیش داریم باز میدارد

بزرگی دولتها و قدرت آنها در احترام بقوانین است و همه باید در برابر عظمت آن زانو زده و فکر قانون شکنی را از خود دور دارند و همواره در ادوار گذشته خود ایشانهم مؤید این نظر و معترف باین رویه بوده اند

باید بامردم بود تا در آغوش قدرت و توانائی و پشتیبانی آنها به نتیجه اصلی مبارزه علیه استعمار و نجات مملکت توفیق حاصل آید و مجبورم که باستحضار جناب ایشان برسانم تا موقعیکه اینجناب وظیفه دار ریاست مجلس شورای ملی هستم اجازه طرح نظیر این لوایح را که مخالف صریح اصول قانون اساسی مملکت دارد در مجلس جایز نمیدانم

رئیس مجلس - سید ابوالقاسم کاشانی

۶- ختم جلسه بعنوان تنفس

نایب رئیس - با اجازه آقایان در دقیقه تنفس مینمایم (صحیح است)

(یکساعت و پنج دقیقه قبل از ظهر)

مجلس بعنوان تنفس تعطیل

و دیگر تشکیل نگردد

نایب رئیس مجلس شورای ملی

محمدعلی انصاری